

گفتار در روش



۴

■ نویسنده:
محمدعلی فروغی
■ صفحه
۱۳۰
■ نشر مرکز

این کتاب مهم‌ترین کتاب فلسفی دکارت و یکی از مهم‌ترین کتب فلسفی موثر بر علم و فلسفه اروپا است و رساله‌ای است به نام گفتار در روش به کار بردن عقل (خرد) که توسط مرحوم محمدعلی فروغی به زیبایی به پارسی برگردان شده است. از همین روی است که دکارت را پدر فلسفه مدرن می‌خوانند چرا که تاثیرش بر علم و فلسفه بعد از خود غیرقابل انکار است.

پیام من به فرهنگستان



۵

■ نویسنده:
محمدعلی فروغی
■ صفحه
۸۰
■ انتشارات پیام

فروغی فرهنگستان زبان را با هدف ترویج زبان فارسی و پالایش آن از واژه‌های بیگانه در سال ۱۳۱۴ راه‌اندازی کرد. یکی از اصلی‌ترین متن‌های به‌جامانده از او نیز رساله‌ای «پیام من به فرهنگستان» است که وی آن را در سال ۱۳۱۵ نوشته است؛ فروغی در ابتدای رساله از ارتباط منطقی و ارگانیک زبان و فرهنگ در تمدن انسانی سخن می‌گوید و اهمیت حفظ و گسترش زبان فارسی را یادآور می‌شود.

خاطرات فروغی



۶

■ نویسنده:
محمدعلی فروغی
■ صفحه
۱۰۶۰
■ انتشارات سخن

این کتاب از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول، که خاطرات محمدعلی فروغی است. بخش دوم یادداشت‌های روزانه اوست که از ۱۵ سال پراکنده میان سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۲۰ که گاه به تفصیل و گاه به اجمال وقایع را روزبه‌روز، حتی در سخت‌ترین شرایط سیاسی به رشته تحریر درآورده است. بخش سوم، که تحت عنوان پیوست‌ها آمده، بیشتر مشروح ملاقات‌های او با سران کشورهای دیگر، گزارشی از امور شورای جامعه ملل و چند نامه است.

فلسفه در یونان باستان می‌رود و فلسفه سقراط و افلاطون را به فارسی بازمی‌گرداند. فروغی در توضیح انگیزه خود از این کار می‌نویسد: «چون رسائل و کتب افلاطون اشهر حکمای عالی قدر یونان که در لفظ گرانبهاترین عقد لآلی است و در معنی کلید گنج معالی تاکنون به زبان پارسی درنیامده و این برای ما ایرانیان فقدان عظیم است، لهذا خاطر هوای ترجمه آن خزان معرفت از السنه اروپایی می‌نمود و از آنجا که مجموع آن کتب نفیسه بحری ذخر و ترجمه آن به تمامی از کارهای معظم محسوب است، از یاری توفیق بر انجام این مقصود اطلاع نداشتم. پس در بدو اقدام کار را بزرگ نگرتم تا امید حصول بیشتر و غایت وصول نزدیک‌تر باشد و عجلت سه رساله از آن رسایل شریفه را که در شرح محاکمه و شهادت سقراط استاد محبوب افلاطون و متضمن فوائد بسیار است از ترجمه‌های معتبر فرانسوی به فارسی آوردم...» البته فروغی در سیر آشنا کردن ایرانیان با فلسفه غرب به سقراط و افلاطون اکتفا نکرده و فلسفه مدرن غربی را با شناساندن دکارت به فارسی زبانان آغاز می‌کند. فروغی درباره دکارت و فلسفه او که سرآغاز اندیشه جدید و گسسته از قدیم غرب است، می‌نویسد: «پس از جنبشی که یونانیان در علو و حکمت کردند و منتهی به تاسیسی شد که اصحاب سقراط، مخصوصا افلاطون و ارسطو در فلسفه نمودند، نخستین انقلابی که در این تاسیس واقع شده، آن است که دکارت به عمل آورده است.»

اندیشه و انگیزه تالیف سیر حکمت

این چنین است که فروغی پس از ترجمه رساله دکارت، جرقه اولیه‌ای در ذهنش برای تالیف اثری جامع و کامل درباره فلسفه غربی که تحولات قبل از دکارت و بعد از انقلاب فلسفی او را دربرمی‌گیرد، زده می‌شود. به عبارت دیگر «فروغی جهت آشنایی درست با تحولات فکری که به انقلاب فلسفی دکارت منجر شد و سیر بعدی آن، مبادرت به نگارش تاریخ فلسفه در غرب می‌کند و آن را از سرچشمه‌هایش در یونان و فلاسفه پیشاسقراطی تا دوره خود و گزارش اندیشه‌های هانری برگسون با قلمی روان و عالمانه می‌نگارد.»

آغاز تالیف سیر حکمت

اما اینک لازم است به سیری که به نگارش تاریخ فلسفه در اروپا یا همان سیر حکمت در اروپا منجر شد، اشاره کنیم. خود فروغی در مقدمه‌ای که بر چاپ دوم کتابش می‌نویسد، به این نکته اشاره می‌کند که «چند سال پیش برای اشتغال به امری علمی که ضمناً سود ابناء نوع در آن متصور باشد، به ترجمه رساله کوچکی که معروف‌ترین اثر دکارت فیلسوف نامی فرانسوی می‌باشد دست بردم. پس از انجام بر خوردم به اینکه این رساله برای کسانی که از معارف اروپا آگاهی نداشته باشند چندان بهره‌ای نمی‌دهد. پس برای مزید فایده مقدمه‌ای بر آن افزودم و سیر حکمت را در اروپا از عهد باستان تا زمان دکارت به اختصار در آن بازنماییدم و به چاپ رساندم...» البته این داستان متعلق به طبع قسمت نخست «سیر حکمت در اروپا» در سال ۱۳۱۰ است و همین‌طور که ذکر شد، فروغی در سال‌های ۱۳۱۸ و ۱۳۲۰، قسمت‌های دوم و سوم این اثر را نیز به زیور طبع می‌آراید. در واقع فروغی «به ترغیب وزارت فرهنگ و استقبالی که از جلد اول سیر حکمت در اروپا تا زمان دکارت به عمل آمده بود، تاریخ فلسفه جدید از دکارت تا دوران خود را در دو جلد دیگر فراهم می‌سازد.»



فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دوران‌ساز داشت. وی در برگردان کتاب «اصول علم ثروت ملل یعنی اکونومی پلیتیک» از زبان فرانسه، برای بسیاری از واژگان پایه‌ای علم اقتصاد، برابری به زبان فارسی بر ساخت. همچنین در کتاب «حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول» باز همو بود که برای نخستین بار، مفاهیم کلی حقوق اساسی را به شکلی متدیک و به‌سامان مطرح کرد. بسیاری معتقدند که یکی از برجستگی‌های حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول، واژه‌سازی و معادل‌یابی در علم حقوق است و در واقع، بسیاری از واژگان جاافتاده حقوق، نخستین بار در این کتاب به کار برده شدند. محمدعلی فروغی در کنار این دو کتاب مهم، نخستین کتاب تاریخ ملل در ایران را با عنوان «تاریخ ملل قدیمه مشرق» به زیور طبع آراست. البته نباید از اهمیت نگارش کتاب «سیر حکمت در اروپا» و مقاله‌ای با عنوان «پیام من به فرهنگستان» غفلت کرد. شاید جالب توجه باشد که فروغی به جز فلسفه کلاسیک و مدرن غربی، به فلسفه ایرانی-اسلامی نیز نیم‌نگاهی داشت. وی بر کتاب «شفا»ی ابوعلی سینا مقدمه می‌نوشت و با حکمت ایران‌شهری و خسروانی به خوبی آشنا بود. اما چرا فروغی در پرداختن به فلسفه، این‌گونه از غرب به شرق و از قدیم به جدید در حرکت بود؟ خودش می‌نویسد: «اینجانب که همه عمر گرفتار مشاغل دولتی بودم، از آنجا که به علم و معرفت عشق داشتم و نیز اشتیاق به اینکه تا بتوانم کار تحصیل علم را بر دانش‌پژوهان آسان کنم، تفنن و تفریح خود را در تالیف و ترجمه کتب یافته‌م و از جمله هوس‌ها که در دل پروردم، این بود که حکمت قدیم و جدید را به دسترس طالبان علم بگذارم.»

اشتغال به فلسفه

این‌گونه است که محمدعلی فروغی در کنار همه مشغله‌های سیاسی و دل‌مشغولی‌های وطنی، دست به کار سترگی می‌زند که ماحصلش آشنایی ایرانیان با فلسفه قدیم و جدید غرب است. او در مسیر این کار سترگ ابتدا به سمت سرمنشاه‌های



او آکادمیسینی بود که بنیاد امورات حسنه فراوانی را گذاشت که فرهنگستان ایران و جشن هزاره فردوسی و از آن دسته امورات به شمار می‌روند. وی ادیب سخن‌شناسی بود که استاد سخن را خوب می‌شناخت و تصحیحات ماندگاری از آثار سعدی ارزانی ایرانیان داشت. فروغی به منابه یک دولتمرد دنیادیده، نخستین و آخرین ایرانی است که بلندپایه‌ترین گرسی سیاسی جهانی را در کسوت ریاست «جامعه ملل» به نام خود به ثبت رساند